



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: قبله

با توفیق پروردگار متعال از امروز وارد بحث قبله می شویم، همانطور که گفتیم مبنای بحث ما کتاب عروه می باشد چون شروح و حواشی بسیاری دارد که در بحث به ما کمک می کند.

صاحب عروه بحث از قبله را اینگونه آغاز می کند: «فصل في القبلة وهي المكان الذي وقع فيه البيت - شرفه الله تعالى - من تُحوم (جمع تُحْم به معنای اعماق مثل فلوس جمع فلس) الأرض إلى عنان السماء للناس كافة القريب والبعيد، لا خصوص البنية، و لا يدخل فيه شيء من حجر إسماعيل، وإن وجب إدخاله في الطواف، و يجب استقبال عینها لا المسجد أو الحرم ولو للبعيد»<sup>۱</sup>.  
دلیل این مطلب اخباری هستند که در باب ۱۸ از ابواب قبله ذکر شده:

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الطاطري، عن محمد بن أبي حمزة، عن عبد الله ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله رجل قال: صليت فوق أبي قبيس (کوهی در مکه که از کعبه بلندتر است) العصر فهل يجزي ذلك والكعبة تحتي؟ قال: نعم إنها قبلة من موضعها إلى السماء.﴾<sup>۲</sup>.

شیخ طوسی، عن طاطری که اسمش علی بن حسن است و واقفی المذهب است ولی ثقة می باشد و بقیه روایت نیز ثقة هستند منتهی اسناد شیخ به طاطری ضعف دارد ولی خب چون خبر مورد عمل اصحاب و فقهاء است حجت می باشد.

خبر دوم: ﴿محمد بن يعقوب، عن جماعة، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن الحسين بن عثمان، عن ابن مسكان، عن خالد بن أبي إسماعيل قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يصلي على أبي قبيس مستقبل القبلة، فقال: لا بأس. ورواه الشيخ باسناده عن الحسين بن سعيد مثله.﴾<sup>۳</sup>.

خبر سوم: ﴿محمد بن علي بن الحسين قال: قال الصادق عليه السلام: أساس البيت من الأرض السابعة السفلى إلى الأرض السابعة العليا.

أقول: وتقدم ما يدل على ذلك بالعموم والاطلاق، ويأتي ما يدل عليه.﴾<sup>۴</sup>.

اینها دلائل اولین مطلب در کلام صاحب عروه بود که به عرضتان رسید.

صاحب عروه در ادامه کلامش فرمود: « و لا يدخل فيه شيء من حجر إسماعيل، وإن وجب إدخاله في الطواف. »<sup>۵</sup>.

مطلب دوم این است که آیا حجر اسماعیل جزء قبله و کعبه می باشد یا نه؟ این مطلب نیز روایاتی دارد که در اعمال حج در بحث طواف و در باب ۳۰ از ابواب طواف ذکر شده، عنوان باب این است: "باب وجوب ادخال الحجر في الطواف بأن يمشى خارجه لا فيه وكذا الشاذروان".

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن معاوية بن عمار قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الحجر أمن البيت هو أو فيه شيء من البيت؟ فقال: لا ولا قلامة ظفر (نوک ناخن)، ولكن إسماعيل دفن فيه أمه فكره أن يوطأ، فجعل عليه حجرا وفيه قبور أنبياء.﴾<sup>۶</sup>.

خبر دوم: ﴿وعنه، عن أحمد بن محمد، عن علي بن النعمان، عن سيف بن عميرة، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبد الله عليه

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۴۷، ابواب قبله، باب ۱۸، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۴۸، ابواب قبله، باب ۱۸، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

<sup>۵</sup> العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۳، ط جماعة المدرسین.

<sup>۶</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۴۲۹، ابواب طواف، باب ۳۰، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

<sup>۱</sup> العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۳، ط جماعة المدرسین.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۴۷، ابواب قبله، باب ۱۸، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

مطلب سومی که صاحب عروه بیان کرده این است که :  
«و يجب استقبال عينها لا المسجد أو الحرم و لو  
للبعيد»<sup>۹</sup>.

کسی که نماز می خواند باید عین کعبه را استقبال کند نه  
مسجد الحرام یا حرم را.

صاحب عروه در ادامه می فرماید: «ولا يعتبر اتصال الخط  
من موقف كل متصل بها، بل المحاذاة العرفية كافية»<sup>۱۰</sup>.

خداوند متعال در قران کریم فرموده: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ  
فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا ۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا  
يَعْمَلُونَ﴾<sup>۱۱</sup>، پیغمبر صلی الله علیه و آله در مکه ۱۳ سال  
به طرف بیت المقدس نماز می خواند و بعدا که به مدینه  
آمدند بعد از جنگ بدر حضرت دید که یهودی ها  
می گویند شما تابع ما هستید و به طرف قبله ما نماز  
می خوانید دین جدیدی نیاوردید و از این حرفها، پیغمبر  
صلی الله علیه و آله وقتی از مسجد بیرون می آمد به آسمان  
نگاه می کرد و این حرف یهود خیلی برایش سنگین بود و  
خداوند فرمود ما میبینیم که تو به آسمان نگاه می کنی و  
منتظری وحی از جانب خداوند بیاید تا یک تحولی بوجود  
بیاید ما چهره تو را از قبله آنها به طرف یک قبله ای  
برخواهیم گرداند که راضی باشی پس چهره ات را به سمت  
مسجد الحرام برگردان و وقتی حضرت مشغول خواندن نماز  
صبح بود جبرئیل آمد و ایشان را به سمت مسجد الحرام و  
کعبه برگرداند فلذا آن مسجد که هنوز هم هست به مسجد  
ذوالقبلتین مشهور شد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین

السلام قال: أن إسماعيل دفن أمه في الحجر وحجره عليها لثلا  
يوطاً قبر أم إسماعيل في الحجر.<sup>۷</sup>

خبر سوم: ﴿وعن بعض أصحابنا، عن ابن جمهور، عن أبيه، عن  
محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه  
السلام قال: الحجر بيت إسماعيل وفيه قبر هاجر وقبر  
إسماعيل.﴾<sup>۸</sup>.

چند خبر دیگر با همین مضمون داریم.

خب واما در خبری کلمه "شاذروان" ذکر شده بود، آیت  
الله طباطبائی در تفسیر المیزان بنای کعبه را از جهت طول و  
عرض و دیگر خصوصیات ذکر کرده و در ضمن فرموده در  
کنار خانه کعبه یعنی در بیرونش یک مقدار برآمدگی وجود  
دارد زیرا چندباری خانه کعبه بر اثر اتفاقاتی خراب شده و  
مجددا آن را ساخته اند و وقتی مجددا ساختند چون مصالح  
ساختمانی کم بوده ناچاراً یک مقداری تنگ تر و کوچکتر  
ساخته اند و مقداری از پایه های قبلی بیرون مانده، به این  
مقدار از پایه های قبلی که بیرون مانده "شاذروان"  
می گویند که مقداری از سطح زمین بلند تر می باشد و در  
روایت نیز آمده که شاذروان جزء کعبه است و همان احترام  
را دارد.

در مورد حجر بین ما و اهل سنت اختلافی وجود دارد، ما  
حجر را در مطاف داخل می دانیم و برایش احترام قائلیم  
ولی آن را جزء خانه خدا نمی دانیم منتهی در کتاب المغنی  
که اقوال عامه را بیان می کند در جلد ۳ صفحه ۳۹۷  
گفته شده حجر جزء بیت می باشد و از عایشه خبری  
دارند که گفته حجر جزء بیت می باشد و همچنین در کتاب  
"بداية المجتهد و نهاية المقتصد" تالیف ابن رشد اندلسی که  
از کتب مهم عامه است در جلد ۱ صفحه ۳۳۰ نیز ذکر  
شده که عامه قائلند حجر اسماعیل جزء بیت می باشد.

<sup>۷</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۴۲۹، ابواب طواف، باب ۳۰، حدیث  
۲، ط الاسلامیة.

<sup>۸</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۴۳۰، ابواب طواف، باب ۳۰، حدیث  
۳، ط الاسلامیة.

<sup>۹</sup> العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۳، ط جماعة المدرسین.

<sup>۱۰</sup> العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۴، ط جماعة المدرسین.

<sup>۱۱</sup> سوره بقره، آیه ۱۴۴.